

فصل‌نامه جندی‌شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۵

مجتهدی و تأسیس دانشگاه صنعتی آریامهر^۱

مهدی زرغامی^۲

ترجمه علی زارع^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۵

چکیده:

این مقاله، شرحی از تأسیس دانشگاه صنعتی آریامهر (دانشگاه صنعتی شریف کنونی) و نقشی که دکتر محمد علی مجتهدی در ایجاد آن داشت را ارائه می‌کند. مقاله، چشم‌انداز علم و فن‌آوری ایران در سال ۱۳۴۴ را شرح می‌دهد، سالی که محمدرضاشاه پهلوی، مجتهدی را به بنیان این دانشگاه منصوب کرد. مقاله، همچنین چالش‌های گوناگونی که مجتهدی برای تأسیس دانشگاه با آن روبه‌رو بود را شرح می‌دهد، همچون ممانعت مقررات و دیوان‌سالاری دست‌وپاگیر دولتی، استخدام استادان واجد شرایط، جذب دانشجویان برتر، ایجاد محیطی مناسب برای پرورش فرهنگ علمی و فن‌آوری و مهم‌تر از همه، ایجاد خط مشی برای دانشگاه تا نه‌تنها مؤسسه پیشرو ایران، بلکه یکی از معتبرترین موسسات جهان در زمینه علم و مهندسی شود. مقاله، درباره رویکرد ویژه مجتهدی در قبال این مشکلات بحث می‌کند و این که چگونه وی علی‌رغم بهترین تصمیم‌هایش، سبب بروز دسایسی شد که منجر به اخراج وی در سال ۱۳۴۶ شد. در واقع، دانشگاه، مؤسسه پیشگام ایران در علم و مهندسی شد، جایگاهی که تا کنون نیز حفظ کرده‌است.

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Zarghamee, Mehdi. Mjtahedi and the Founding of the Arya-Mehr University of Technology, *Iranian Studies*, 44:5, 2011, pp. 767-775.

۲. کارشناس عالی شرکت Simpson Gumpertz & Heger در ماساچوست آمریکا و نیز نایب رییس دانشگاه

صنعتی شریف در سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ خورشیدی mszarghamee@sgh.com

۳. کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی از دانشگاه بیرجند Alizareparslion@yahoo.com

مقدمه:

دکتر محمد علی مجتهدی در تاریخ آموزش ایران به خاطر مدیریت دبیرستان البرز به مدت ۳۵ سال از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۵۷، به خوبی شناخته شده است. در طول دوران ریاست وی، البرز نخستین دبیرستانی شد که در آن دانش آموزان مستعد ایرانی آموزش لازم برای تبدیل شدن به نویسندگان مهم کشورشان و در پاره ای موارد، در مقیاس جهانی را دریافت نمودند. شاید سهم او در تأسیس دانشگاه صنعتی آریامهر (اکنون دانشگاه شریف که از این پس با عنوان دانشگاه آریامهر یاد می شود) نیز دارای اهمیت یکسان باشد. دانشگاه آریامهر از زمان آغاز آن، مستعدترین دانشجویان ایرانی را جذب کرده است و آموزش درجه یک علم و فن آوری را همگام با آموزش موجود در برخی از دانشگاه های مشهور جهان، برای دانشجویانش فراهم کرده است. این مقاله به نقشی که مجتهدی در تأسیس این دانشگاه تأسیس ایفا نمود، دیدگاه ویژه وی، آرزوهای او، اهدافش، موانعی که با آن رو به رو بود و رویکردش در حل این مشکلات، می پردازد.

بر اساس تاریخچه زندگی، مجتهدی در سال ۱۲۸۷ در لاهیجان متولد شد. پس از گذراندن دوره ابتدایی اش در لاهیجان، برای گذراندن دوره دبیرستان به تهران رفت، نخست در دارالمعلم مرکزی و سپس در دبیرستان شرف وارد شد که وی به سال ۱۳۰۵ دیپلم خود را از آن دبیرستان اخذ نمود. در سال ۱۳۰۹، رضا شاه پهلوی، مجتهدی و ۹۹ دانش آموز دیگر را برای آموزش عالی به خارج فرستاد. پس از گذراندن یک سال در دبیرستان فرانسوی، مجتهدی در دانشگاه لیل حاضر شد، که به مطالعه ریاضی پرداخت. او سپس وارد سوربن در پاریس شد و مدرک دکتری دولتی خود را در رشته ریاضی برای پایان نامه اش درباره برخی مسائل مکانیک سیالات دریافت نمود. او در سال ۱۳۱۶ به ایران بازگشت و ابتدا در دانشسرای عالی و سپس در دانشکده علوم دانشگاه تهران و بعداً از سال ۱۳۱۹ به عنوان استاد دانشکده مهندسی دانشگاه تهران تا زمان بازنشستگی اش در سال ۱۳۴۹، به تدریس ریاضی پرداخت. سال ۱۳۲۲ پس از سه سال استادی در دانشگاه تهران، مجتهدی رئیس دبیرستان البرز شد. او این منصب را به مدت ۳۵ سال تا زمان انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ حفظ نمود. در سال ۱۳۳۹، به ریاست دانشگاه شیراز منصوب شد، که پس از یک سال به دلیل عدم همکاری و پشتیبانی دولت در سال ۱۳۴۰ از آن دست کشید. او رئیس دانشگاه پلی تکنیک (امیرکبیر کنونی) گردید و در این منصب تا سال ۱۳۴۳ به خدمت پرداخت، و در همین سال ببه زعم خود وی به دلیل «دسایس» برخی از اعضای هیئت امنای پلی تکنیک، برکنار شد.

چشم‌انداز علم و فن‌آوری ایران در سال ۱۳۴۳

قبل از بحث درباره چالش‌های مجتهدی در دانشگاه آریامهر، یک بررسی مختصر و کلی از چشم‌انداز علم و فن‌آوری ایران در سال ۱۳۴۳، سالی که دانشگاه آریامهر تأسیس شد، ارائه خواهد شد.

به نظر می‌رسد هر دو عضو دودمان پهلوی، رضاشاه و محمد رضاشاه، اعتقاد داشتند که جهشی سریع به توسعه ایران، تنها از طریق احداث پروژه‌های کلانی همچون طرح راه‌آهن ملی که رضاشاه به انجام رسانید، احداث صنعت فولاد در دهه ۱۳۳۰ و نیز ایجاد صنعت برق هسته‌ای دهه ۱۳۵۰ در دوران پادشاهی محمدرضاشاه، می‌تواند صورت گیرد. در سال ۱۳۴۳، ایران احداث کارخانه فولاد اصفهان را آغاز کرده بود. محمدرضاشاه، با توجه به فرمان وی به مناسبت تأسیس دانشگاه آریامهر، اعتقاد داشت که کارخانه فولاد، توسعه صنایع سنگین ایران را تسریع خواهد کرد و برای توسعه چنین صنایعی، به نسلی از مهندسان و متخصصان نیاز بود که در آن زمان ایران فاقد آن بود. بسیاری از تصمیم‌گیرندگان دولتی اعتقاد داشتند که صنعتی‌سازی، تنها واکنش رشد سریع جمعیت ایران و بی‌کاری فصلی بخش کشاورزی است. درآمد سالیانه نفتی ایران حدود ۱ میلیارد دلار یا ۵ تا ۶ برابر میانگین درآمد دانشگاهی دولتی در غرب میانه ایالات متحده در آن زمان بود. ایران تلاش نمود تا سرمایه خارجی برای مشارکت در توسعه صنعتی را جذب کند. با این حال، هیچ‌یک از این تلاش‌ها به افزایش معنادار انتقال فن‌آوری خارجی به ایران منجر نشد. بر اساس اطلاعات منتشر شده اداره آمار وزارت کار در سال ۱۳۴۳، تعداد کل مهندسان ایران حدود ۱۲/۰۰۰ نفر بود. درصد تعداد مهندسان در میان جمعیت فعال ایران بسیار کمتر از درصد مشابه در کشورهای همسایه چون ترکیه بود. افزون بر این، ایران تنها تعداد انگشت‌شماری دانشگاه و دانشکده داشت که جمعیت کل دانشجویان آن بیش از ۲۴/۰۰۰ نفر نبود. استادان این دانشگاه‌ها حقوق اندکی اندکی به ازای خدمات خود دریافت می‌کردند. در واقع، استادان ایرانی در تهران، آن چنان حقوق اندکی دریافت می‌کردند که به تدریس به‌عنوان شغل دوم می‌نگریستند. با این شرایط، تعجب‌آور نیست که موسسات علمی ایران نتوانستند محیطی مؤثر در زمینه تحقیق، نوآوری و «فرهنگ علمی» که برای توسعه علمی و فن‌آوری ایران ضروری بود را به وجود آورند. دانشجویان به راحتی به کتاب‌های درسی و منابع اصلی دسترسی نداشتند، به طوری که جزوه کلاسی اساتید، اغلب، تنها مرجع اطلاعات دانشجویان بود. از منظر سیاسی، دانشجویان و استادان در بسیاری از دانشگاه‌های ایران و نیز دانشجویان خارج از کشور علیه محمدرضاشاه متحد شدند، به‌ویژه پس از نخستین قیام ناکام آیت‌الله خمینی در سال ۱۳۴۲.

تقریباً همه دانشگاه‌ها، در مورد اداره هزینه‌های خود به بودجه‌های دولتی وابسته بودند. بودجه‌های عملیاتی دولت نمی‌توانست خارج از قوانین، آیین‌نامه‌ها و هزینه‌های تشریفاتی صرف شود، چرا که مانع از استخدام استادان شایسته، پرداخت حقوق مکفی به استادان جوان، یا خرید تجهیزات و مواد مورد نیاز

برای تحقیق، یا راه‌اندازی برنامه‌های خلاقانه و نوآورانه می‌شد. قوانین حکومتی، آیین‌نامه‌ها و تشریفات، مانعی بزرگ در پیشرفت آموزش و تحقیق در ایران بود. تنها چند استثنا وجود داشت: دانشگاه ملی، مؤسسه خصوصی آموزشی با شهریه بالا جهت تأمین هزینه‌های دانشگاه، دانشکده فنی شرکت نفت ایران که توسط شرکت ملی نفت ایران (NIOC) جهت آموزش مهندسان مورد نیاز این شرکت دایر شد، و دانشگاه پهلوی (دانشگاه شیراز سابق) که با درخواست رئیس دانشگاه، اسدالله علم، نخست‌وزیر سابق و معتمد شاه، مجاز به استفاده از نام پهلوی شد و زیر نظر اسمی شاه و خارج از محدوده قوانین دولتی و آیین‌نامه‌ها به فعالیت پرداخت. (دانشگاه پهلوی پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ دوباره به دانشگاه شیراز تغییر نام داد).

انتصاب مجتهدی و چالش‌های پیش روی وی

در چنین وضعیتی، در سال ۱۳۴۳، محمدرضا شاه پهلوی، مجتهدی را احضار کرد و به او دو انتخاب داد: ۱- تأسیس دانشگاهی جدید برای توسعه علوم و مهندسی در ایران همگام با موسسات پیشروی جهان برای کمک به صنعتی‌کردن ایران که البته مأموریتی به شدت سخت بود، یا ۲- نظارت بر دانشجویان ایرانی در اروپا، کاری بسیار راحت‌تر و مطلوب‌تر برای خانواده وی. مجتهدی گزینه نخست را انتخاب کرد. مجتهدی چند سال پیش از مرگ، در مصاحبه‌ای متفاوت بیان کرد که وی این تصمیم را به خاطر اعتقاد به این که نمی‌خواست فرصت «ایجاد دانشگاهی که ایرانیان مستعد بتوانند آموزش ببینند، اعتماد به نفس و انضباط کسب کنند، شهروندان برجسته‌ای شوند که کشور را در آینده توسعه دهند» را از دست بدهد.^۱ او از موانع پیش رو برای ایجاد یک دانشگاه به‌خوبی آگاه بود. این موانع، در آن سال‌ها که وی مسئولیت دانشگاه را عهده‌دار بود، عبارت بودند از:

- دفع بازرسی دولت و قوانین همراه که با وابستگی به بودجه اندک دولت تشدید شده بود. قوانین حکومتی که با بودجه اندک همراه بود به او اجازه نمی‌داد تا استادانی را که وی نیاز داشت، استخدام کند، حقوق مکفی به آن‌ها بپردازد، تجهیزات آموزشی و تحقیقی در زمانی که وی برنامه‌ریزی کرده بود را خریداری کند و درهای دانشگاه را پس از چند ماه برای اولین گروه دانشجویان باز کند.

1. M. Mirzai and A. Siahbaazi, Sharif az Aghaaz taa Konun (1345° 1385), be Goftaar Ro asaaysh (Tehran: Scientific Publications of Sharif University of Technology, 2006/1385). Also Sadeh Naameh Dabirestaan Alborz (Publication of Eghbal, 1975/1354) (emphasis added based on follow-up discussions with Mojtahedi).

- استخدام استادان شایسته از خارج که بتوانند بهترین کیفیت آموزش را همسو با بهترین موسسات آموزشی جهان ارایه کنند.
- ایجاد یک فرهنگ سازنده برای توسعه علم و فن آوری؛ به عبارت دیگر، محیط پژوهشی که زمینه اکتشاف علمی و نوآوری فن آورانه را در رقابت با فرهنگ‌های مشابه در موسسات پیشرو جهان به وجود آورد.
- تجهیز دانشجویان با کتب درسی، منابع مرجع و دیگر منابع آموزشی که برای آموزش و پژوهش مطلوب ضروری اند.

افزون بر این، او در راه چیره شدن بر این موانع در مدت زمان کوتاه و قبل از تغییرات سیاسی که ممکن بود وی را از حمایت شاه محروم کند، بسیار در تنگنا بود.

مجتهدی در راه دفع کنترل دولتی، مزیت پیش‌کسوتی را دارا بود. او می‌دانست که علم در دانشگاه پهلوی در غلبه بر مشکلات مشابه، با راه حل کنترل دانشگاه پهلوی زیر نظر اسمی شاه موفق شده‌است. مجتهدی پذیرش ریاست دانشگاه را طبق قول شاه انتظار می‌کشید تا دانشگاه را به‌عنوان مرکزی خصوصی حفظ کند و علاوه بر این، به عنوان رئیس اسمی دانشگاه به خدمت پردازد (تولیت). مشخصاً، توافق به وی اجازه داد تا به مدیریت دانشگاه به صورت نماینده شاه و با عنوان نایب تولیت پردازد و خط سیر هیئت امنای راهبری کند، چرا که به‌تنهایی حق تصویب تمام آیین‌نامه‌ها و قوانین دانشگاه را داشت. جهت کاهش تأثیر احتمالی دیدگاه شخصی بر روی اعضای هیئت امنای، مجتهدی پیشنهاد کرد که اعضای هیئت، بر خلاف هیئت امنای دیگر دانشگاه‌های ایران که معمولاً ۱۰ یا ۲۰ نفر بود، سی نفر باشند. آنچنان‌که مشخص شد، اعضای هیئت امنای دانشگاه به ابزاری بسیار قدرتمند بدل شد که شامل اعضای خانواده سلطنتی، نخست‌وزیر کشور و چند تن از اعضای کابینه دولت می‌شد.

شاه تمام پیشنهادهای مجتهدی را پذیرفت و فرمان تأسیس دانشگاه آریامهر را در ۱۰ آبان ۱۳۴۴ اعلام کرد.^۱ فرمان تأسیس دانشگاه حاوی دو مأموریت بود، نخست از دانشگاه خواست تا «متخصصانی با آگاهی وسیع علمی و کاردانی و خیرگی فنی مورد نیاز صنایع سنگین ایران تربیت کند. فرمان دوم می‌خواست تا دانشگاه یکی از موسسات پیشرو جهان از طریق تحقیق در زمینه‌های علمی و فنی شود. این نخستین بار بود که تحقیق علمی از طریق دستورالعمل دانشگاهی ایرانی ابلاغ می‌شد. حکم، هم چنین دانشگاه را ملزم می‌کرد تا کمتر از یک سال تا ۳۰ شهریور ۱۳۴۵، فعالیت خود را آغاز کند و اعلام کرد که شاه ریاست اسمی دانشگاه را عهده‌دار خواهد بود.

1. H. Ladjevardi, Khaataarat Mohamad Ali Mojtahedi, Iranian Oral History, Center for Middle Eastern Studies (Cambridge, MA, 2000/1379).

مجتهدی با حکم شاه در دست، کار افزایش بودجه دانشگاه را آغاز نمود و از همان افرادی که در مأموریت افزایش بودجه دبیرستان البرز مشارکت کرده بودند، کمک خواست و بسیاری از آنها به درخواست وی پاسخ دادند، هرچند میزان واقعی وجهی که برای آغاز به کار دانشگاه گرد آورده بود، بسیار ناکافی بود. او با دکتر منوچهر اقبال، رئیس شرکت ملی نفت ایران و عضو هیئت امنای دانشگاه دیدار کرد. دکتر اقبال، ریاست پیشین دانشگاه تهران، مشکلاتی که مجتهدی با آن روبه‌رو بود را می‌دانست و به وی پیشنهاد کمک داد. مجتهدی از وی عطیه‌ای ۱۰۰ میلیون ریالی (۱/۵ میلیون دلار آمریکا) درخواست نمود، نه از شرکت ملی نفت ایران بلکه از کارکنان آن. به این ترتیب، هیچ محدودیتی در کار نبود. دکتر اقبال به همه کارکنان شرکت ملی نفت ایران سفارش کرد که کمکی داوطلبانه، معادل دستمزد یک روزه خود به دانشگاه داشته باشند، در عوض، وی به آنها پاداشی مشابه با همان قیمت پرداخت خواهد نمود. مجتهدی بدین ترتیب بدون هیچ محدودیتی ۱۰۰ میلیون ریال کسب کرد. مجتهدی درخواست نمود که این مبلغ، سالیانه پرداخت شود و دکتر اقبال موافقت کرد. بدین ترتیب، دانشگاه هر ساله تا سال ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی رژیم پهلوی را سرنگون کرد، ۱۰۰ میلیون ریال از شرکت ملی نفت ایران دریافت می‌نمود. مجتهدی، بودجه سازمان برنامه را که ممکن بود وی را ناگزیر به اطاعت از قوانین دولتی در مورد انتخاب مهندسان مشاور و پیمانکار بکند، پذیرفت. مجتهدی با این ادعا که زیر نظر هیئت امنای و قوانین تصویبی آنهاست، از این الزامات فرار کرد.

برای جذب استعدادهای برتر، او نیاز به پرداخت حقوقی داشت تا به استادان و خانواده‌های آنها امکان زندگی راحت را در تهران بدهد، و نیز تمرکز بر امر آموزش و تحقیق در دانشگاه را بدون شغل دوم فراهم کند: در یکی از نخستین ملاقات‌های رسمی خود با شاه، اعلام کرد که دانشگاه به حقوق ماهیانه ۵۰/۰۰۰ ریال (حدود ۷۰۰ دلار آمریکا) برای استادان تازه‌کار و ۵۵/۰۰۰ ریال (حدود ۷۷۰ دلار آمریکا) برای استادان با دو سال سابقه، نیاز دارد تا استعدادهای عالی را به کار گیرد و آنها را به عنوان استادانی که خود را وقف کارشان می‌کنند، حفظ کند. این میزان حقوق، نزدیک سه برابر بیشتر از دیگر دانشگاه‌های دولتی و ۱/۰۰۰ ریال (۱۴۰ دلار آمریکا) بیشتر از حقوق پیشنهادی دانشگاه پهلوی بود. شاه پذیرفت، اما هنگامی که مجتهدی موضوع را در جلسه هیئت امنای مطرح کرد، جمشید آموزگار، وزیر دارایی، به شدت با حقوق پیشنهادی مخالفت کرد، زیرا معتقد بود این حقوق، ضربه‌ای به ساختار حقوق در کل کشور وارد خواهد آورد و در کل برای مؤسسه‌ای در تهران که به اعتقاد وی محدودیت‌های عملی پیشرفت داشت، پذیرفتنی نبود. آموزگار، راه‌حلی پیشنهاد کرد که به‌موجب آن دانشگاه در جای دیگری غیر از تهران تأسیس شود. بهترین پیشنهاد وی اصفهان بود که کارخانه فولاد در آن جا در حال احداث بود و انتظار می‌رفت صنایع سنگین در آینده در آن جا توسعه یابند. آموزگار با شاه دیدار کرد و راه‌حل خود را توضیح داد؛ شاه راه‌حل وی را پذیرفت. آموزگار به مجتهدی اطلاع داد. مجتهدی می‌دانست که احداث دانشگاه

در شهری دیگر به غیر از تهران ممکن است به توانایی وی برای جذب استعداد‌های برتر لطمه بزند. او به نزد شاه رفت و اجازه خواست تا دانشگاه در تهران آغاز به کار کند و تا احداث کامل کمپ دانشگاه اصفهان، در آن جا بماند. شاه موافقت کرد.

مجتهدی بلافاصله ساختمان دولتی موجود در بلوار آینه‌هاور و زمین‌های اطراف آن را در اختیار گرفت و عملیات تبدیل ساختمان به آزمایشگاه‌ها، کلاس درس، دفاتر مورد نیاز برای آموزشگاه را در آن پاییز آغاز نمود. مجتهدی یکی از دانش‌آموختگان دبیرستان البرز، حسین امانت، که به‌تازگی از مدرسه معماری فارغ‌التحصیل شده بود را فرا خواند و از وی خواست تا نقشه معماری آمفی تئاتر، کلاس‌های درس (بعدها ساختمان مجتهدی نام‌گذاری شد)، دفاتر و یک کتابخانه را در زمین مجاور طراحی کند. امانت، نقشه را در زمانی کوتاه طراحی کرد. مجتهدی بلافاصله عملیات احداث را با مهندس ناظری امانت آغاز نمود. ساخت‌وساز تنها ظرف مدت ۸ ماه پایان یافت. در قبال همه زحمات امانت، مجتهدی تنها ۲۰۰/۰۰۰ ریال به وی پرداخت (حدود ۳/۰۰۰ دلار)، که به‌سختی پاس‌خگویی هزینه‌های وی بود. در این حین، سازمان برنامه بدون اجازه مجتهدی، دو معمار که دوست شهبانو فرح بودند را برگزید تا کمپ واقع در اصفهان را طراحی کنند. دو معمار مذکور از دفتر مجتهدی وقت ملاقات خواستند، اما مجتهدی نپذیرفت با آنها دیدار کند. سرانجام آنها تصمیم گرفتند تا بدون قرار قبلی با مجتهدی دیدار کنند و هنگامی که نگهبان درب ورودی دانشگاه از دفتر مجتهدی خواست تا به وی اطلاع دهند که معماران به کمپ رسیده‌اند تا با وی دیدار کنند، مجتهدی به آنها اجازه دیدار یا ورود را نداد. معماران شکایت خود را نزد شهبانو بردند. متعاقباً، سازمان برنامه بی‌درنگ ۱/۰۰۰/۰۰۰ (۱۵ دلار آمریکا) به آنها پرداخت تا از دانشگاه‌های پیش‌تاز جهان قبل از طراحی دانشگاه اصفهان بازدید کنند.

مجتهدی برای جذب استادان مورد نیاز و شروع به کار در شهریور ۱۳۴۵، دست نیاز به سوی فارغ‌التحصیلان دبیرستان البرزی دراز کرد که آنها را از زمانی که رئیس پلی‌تکنیک در ایران بود، می‌شناخت. یکی از نخستین کارمندان وی دکتر فیروز پرتوی، دانش‌آموخته البرز بود که دکتری خود را از دانشگاه MIT دریافت کرده بود. پرتوی در طول سال‌های دانشجویی فعال سیاسی بود و هنگامی که تصمیم گرفت به تهران بازگردد، در پاریس توقف کرد، ماشینی خرید و مردی را یافت که داوطلب شد تا وی را با ماشین به ایران بازگرداند. این مرد، دکتر علی شریعتی بود که نوشته‌های وی تأثیر چشم‌گیری بر انقلابیون جوان ایران گذاشت. پرتوی در کنار شریعتی به محض ورود به ایران دستگیر شد و پس از یک ماه حبس آزاد شد. مجتهدی، پرتوی را به پلی‌تکنیک آورد و سپس وی را در سال ۱۳۴۵ در دانشگاه آریامهر استخدام نمود. در طول چند سال، پرتوی به روند توسعه دانشگاه کمک کرد، از جمله استخدام استادان در روزهای اولیه.

مجتهدی در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ دو سفر به اروپا و آمریکا نمود تا ایرانیانی که به‌تازگی مدرک دکتری خود را گرفته بودند، یا در حال اتمام آن بودند، یا در منصب تدریس و تحقیق در دانشگاه‌های گوناگون بودند را به استخدام درآورد. هر جا که وی وارد می‌شد، با خوش‌آمدگویی دانش‌آموختگان البرز مواجه می‌شد.

در پایان سال ۱۹۶۶ (۱۳۴۵ خورشیدی)، دانشگاه با ۴۰۷ دانشجو در رشته‌های فیزیک، شیمی، ریاضی، مهندسی برق، مهندسی متالوژی و مهندسی شیمی امر آموزش را آغاز نمود. مهندسی عمران با مخالفت شاه روبه‌رو شد، زیرا شاه اعتقاد داشت که مهندسی عمران نقش مهم و فعالی در ایجاد صنایع سنگین ایران ایفا نمی‌کند و دانشگاه تهران مهندسی عمران مورد نیاز برای ساخت راه‌ها، پل‌ها و ساختمان‌ها را آموزش می‌دهد. عکس‌های دیدار شاه در سال نخست، استادان زیادی را نشان می‌دهد که در میان آنها دکتر پرتوی، واحدی، نراقی و پیمان در رشته فیزیک، آقای ظهیر در مهندسی برق و ریاضی و آقای ترپوگوسیان و دکتر معطر در شیمی حضور داشتند.

مجتهدی، یک دفتر چاپ برای دسترسی دانشجویان به کتاب دایر کرد و به استادان اجازه داد هر کتاب انگلیسی انتخابی خود به‌عنوان کتاب درسی را مورد استفاده قرار دهند: کتاب‌های منتشرشده خارج از ایران، تکثیر شدند و رایگان در اختیار دانشجویان قرار گرفت (ایران حق چاپ و نشر بین‌المللی را امضا نکرد). استادان، کلاس‌های خود را به زبان فارسی ارائه می‌کردند و از دانشجویان می‌خواستند تا تکالیف خود را از متون تکثیرشده و منابع مهم به زبان انگلیسی بخوانند و مسائل را در انتهای فصول کتاب‌هایشان حل کنند. این رویکرد پیچیده، سختی‌های زیادی برای دانشجویان داشت، چرا که بیشتر آنها در دوران دبیرستان به زبان انگلیسی مسلط نشده بودند و به راحتی نمی‌توانستند متون را درک کنند. با این حال، به آنها منفعت زیادی رساند، چون به گنجینه اطلاعات موجود در انگلیسی دسترسی یافتند و ثابت کرد که می‌تواند در مشاغل تخصصی بعدیشان بسیار مهم باشد.

ارتباط مجتهدی با دانشجویان بسیار خاص بود. یک بار شاه از وی درباره ارتباطش با دانشجویان سؤال کرد. او پاسخ داد: «من باغبانم و هدفم پرورش این نهال‌های جوان و مشاهده تبدیل آنها به درختان تنومند است». او پیوسته از دانشجویان به‌عنوان ثروت ملت یاد می‌کرد که هنگامی که به‌خوبی آموزش داده شوند و به آنها اعتماد به نفس و نظم اعطا شود، کشور را خواهند ساخت.

یکی از مهم‌ترین سوالاتی که مجتهدی با آن روبه‌رو بود این بود که چگونه می‌توان فرهنگ علم و فن‌آوری را در دانشگاه، مشابه موسسات پیشرو جهان توسعه داد. او پذیرفت که این وظیفه سخت‌ترین وظیفه است و اولین مرحله مورد نیاز، ارتباط قوی با دانشگاه‌های خارج است. از سوی دیگر، نمی‌خواست استقلال و اتکا به نفس دانشگاه را با پذیرش رهنمود خارجیانی که ممکن بود درک و فداکاری لازم را نداشته باشند، قربانی کند. او منتقد ارتباط بین دانشگاه پهلوی و پنسیلوانیا بود، چرا که ایران سالیانه

۲۰۰/۰۰۰ دلار به دانشگاه پنسیلوانیا پرداخت می‌کرد؛ برای وی واضح نبود که دانشگاه پهلوی در عوض چه چیزی دریافت می‌کند. راه‌حل مجتهدی ایجاد ارتباطی دوگانه بین هر گروه دانشگاه و گروه مشابه در موسسات پیشتاز اروپا و آمریکا بود، جایی که استادان، آشنایی شخصی با استادان آن مؤسسه داشتند. به‌عنوان مثال، در رشته مهندسی مکانیک چندین عضو هیئت علمی، فارغ‌التحصیل دانشگاه سلطنتی علم و فن‌آوری لندن بودند. مجتهدی به گروه کمک کرد تا ارتباطی دوجانبه را با آن مؤسسه آغاز کند؛ ارتباط برقرار و ثابت شد مفید بوده‌است. واضح است اگر استادان طرف مقابلشان را در مؤسسه نمی‌شناختند، ارتباط دوجانبه به‌راحتی رشد نمی‌کرد. به همین خاطر، او هیچ امتیازی در ایجاد ارتباط دوگانه با تنها یک مؤسسه نمی‌دید. با این حال، زمانی که نظرش را به هیئت امنا ابراز کرد، علم مخالفت نمود و اصرار ورزید که همکاری دوجانبه باید تنها با یک مؤسسه در اروپا یا آمریکا آغاز شود، آن‌طور که دانشگاه پهلوی این همکاری را با دانشگاه پنسیلوانیا به انجام رسانیده بود. علم که در آن زمان وزیر دربار و با شاه بسیار صمیمی بود، پافشاری کرد که تنها از طریق ارتباطی دوجانبه با یک مؤسسه خارجی می‌توان فرهنگ علم و فن‌آوری را خلق کرد و تفکر علمی و نوآوری فناوری را همگام با موسسات پیشرو جهان در این حوزه پروراند. علم فکر می‌کرد تنها از طریق چنین ارتباطی، عادت‌های قدیمی می‌توانند گسسته شوند و فرهنگ جدید را در میان استادان و دانشجویانی که نیاز به ورود در میان موسسات معتبر علمی و فن‌آوری داشتند را جایگزین کند. علم اظهار داشت اگر مؤسسه دوم در ازای خدمات خود هزینه دریافت کند، آنها پول اندکی برای این ارتباط می‌پرداختند و مجتهدی باید می‌پذیرفت. مجتهدی با این نظر مخالفت کرد. هیئت امنا رأی داد و نتیجه بر خلاف نظر علم بود. این امر سبب سرخوردگی علم از مجتهدی شد. آن‌گونه که وی به این نتیجه‌گیری رسید که مجتهدی قادر به ساخت دانشگاهی که جز موسسات آموزش عالی پیشتاز جهان شود، نیست.

در سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۶ خورشیدی)، انقلابی آموزشی در فرانسه سبب ایجاد ضرورتی شدید برای شاه شد تا نظام آموزشی عالی را نوسازی کند. جهت نوسازی نظام آموزش عالی، ایران به رهبرانی با مشروعیت وسیع در میان دانشجویان و نیز افرادی که سبب چنین تغییراتی شوند، نیاز داشت. دکتر مجید رهنما، وزیر وزارت تازه‌تأسیس علوم و آموزش عالی، تصمیم گرفت دانشمندان ایرانی و مهندسان با جایگاه بین‌المللی را به ایران بازگرداند و آنها را روسای دانشگاه‌های ممتاز گرداند. پرفسور رضا، در دانشگاه سیراکوز، تمایل خود را برای بازگشت به ایران اعلام کرده بود.

تبانی علیه مجتهدی

در سال ۱۳۴۶، مجتهدی گروهی سازمان‌یافته را پیش رو داشت که در برابر وی فعالیت می‌کردند. او با علم و آموزگار مخالفت کرده بود و الگویی که رهنما برای روسای موسسات ممتاز آموزش عالی پیاده می‌کرد را مناسب نمی‌دانست. ماشین سرنگونی مجتهدی آمادهٔ حرکت بود. در آغاز، شاه در برابر دسایس مقاومت کرد و از مجتهدی به دلایل بسیار حمایت نمود. مهم‌ترین آنها این بود که مجتهدی از لحاظ مالی قابل اعتماد و در میان دانشجویان محبوب بود. جنبش علیه مجتهدی در سه جبهه بود. در سطح هیئت امنا، دکتر ایادی، پزشک شخصی شاه و محرم صمیمی علم، رسیدگی به سوء مدیریت مالی مجتهدی را آغاز نمود. درون دانشگاه، معاون وی، جنبشی را که شامل برخی از اعضای هیئت علمی و دانشجویان بود را سامان داد و تخم نارضایتی و نقد را علیه وی پراکند. ساواک نیز به حرکت دانشجویان علیه مجتهدی کمک نمود و چندین دانشجو را به تصدیق سخنان ایادی در برابر مجتهدی اغوا نمود. ایادی در یکی از جلسات هیئت امنا، مجتهدی را به سوء مدیریت مالی و نادیده گرفتن و عدم اجرای قوانین تنظیم شدهٔ چهارم هیئت امنا برای خرید دانشگاه متهم نمود. به‌عنوان مثال، ایادی اطلاعاتی را جمع‌آوری کرده بود که نشان می‌داد مجتهدی آهک ساخت‌وساز را بدون دستورات لازم و به قیمتی بالاتر از بازار خریداری کرده بود. شاه سرانجام تسلیم شد و رهنما، پرفسور رضا را جایگزین مجتهدی نمود. مجتهدی هیچ‌گاه نفهمید چرا از چنین شغلی و با هدفی که وی با تمام وجود و اشتیاق دنبال کرده بود، محروم شد.

مجتهدی پس از دانشگاه آریامهر، به ریاست دانشگاه ملی منصوب شد و پس از یک سال استعفا داد. او هیچ‌گاه مسئولیت دیگری را نپذیرفت و رئیس دبیرستان البرز تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ باقی ماند.

نتیجه‌گیری

همکاری مجتهدی با دبیرستان البرز و تأسیس دانشگاه صنعتی آریامهر، هیچ‌گاه از سوی ده‌ها هزار دانش‌آموختهٔ البرز یا دانشگاه آریامهر و تعداد زیادی از معلمان، استادان و مدیرانی که در زمان‌های گوناگون و به روش‌های متفاوت، رؤیای او را به واقعیت بدل کردند، فراموش نخواهد شد. امروز، دانشگاه صنعتی شریف در تهران (نام جدید دانشگاه پس از انقلاب اسلامی) و دانشگاه صنعتی اصفهان در اصفهان (که به‌عنوان کمپ اصلی دانشگاه آریامهر ساخته شد و در سال ۱۳۵۶ شروع به پذیرش دانشجو کرد)، هر دو موسساتی دولتی هستند. دانشگاه شریف، معتبرترین دانشگاه در آموزش مهندسی و علوم است و استعدادهای برتر را جذب می‌کند و دانشگاه صنعتی اصفهان در رتبهٔ دوم و نزدیک به شریف است. دانش‌آموختگان دانشگاه شریف از سوی تعداد زیادی از روسای موسسات آموزشی جهان به‌عنوان

بهترین دانش‌آموختگان، تحسین شده‌اند. شریف اکنون در راه ایجاد فرهنگ علم و فن‌آوری در ایران، همسو با موسسات پیشروی جهان است، اما هنوز مسائل زیادی وجود دارند که مانع از تحقق آن می‌شوند. بر عهده گرفتن این چالش‌ها، متکی به آینده‌استادان و مدیریت دانشگاه است و این بدون حمایت دولت ایران محقق نخواهد شد.

